

هفته هنر

حذف «آزادی» از چرخه اکران

■ **شرق:** ظاهراً تصمیم برای حذف سرگروهی پردیس سینمایی آزادی کافی نبوده، چراکه شورای صنفی نمایش تصمیم گرفته است که دیگر هیچ فیلمی را برای اکران به این سینما ندهد و این سینما را از اکران محروم کند. حبیب کاش، سخنگوی شورای صنفی نمایش که این خبر را به ایسنا داده است، درباره اینکه آیا سالن‌های مختلف سینما آزادی به جز سالن سرگروه آن می‌توانند حواله اکران فیلم‌های غیر عید را دریافت کنند؛ گفت: خبر. ما در جلسه‌نام مصوب کرده بودیم که زیر گروه‌های این سینما هم از چرخه اکران حذف شده‌اند. در ماه‌های اخیر جالش میان حوزه هنری و شورای صنفی نمایش برای اکران برخی از فیلم‌های سینمایی به شدت بالا گرفته است. از آنجا که یکی از مالکان سینما آزادی حوزه هنری است، شورای صنفی نمایش به دلیل کنترل رفتارهای حوزه هنری و همچنین تنبیه این سینما به دلیل آنچه رفتار فراترانی و غیرقانونی خوانده بود، البته کاوش علت این تصمیم را دلیل دیگری دانسته است: «به دلیل تخلفات سینما «آزادی»، هم سرگروهی سینما «آزادی»: از آن مجموعه گرفته شده و هم سالن‌های زیر گروه آن سینما فعلاً حق نمایش هیچ فیلمی را ندارند.» پردیس سینمایی آزادی بر مخاطب‌ترین مجموعه سینمایی کشور است که به تنهایی حدود ۱۱ درصد از فروش سالانه سینما را در کل کشور برعهده دارد. این روزها سینما «آزادی» فیلم‌های قدیمی «آزمایشگاه»، «شور شیرین»، «قیس طلایی»، «چچک»، «راه پیکند» و «بدون اجازه» و «کیسا و خاک» را اکران می‌کند و برای اکران فیلم‌های جدید در روزهای آتی با تصمیم اخیر شورای صنفی نمایش، قطعاً دچار مشکل می‌شود.

شایسته نیست مدیران درباره زمان اکران فیلم‌ها اظهار نظر کنند

■ **مهر:** تهیه‌کننده «تلفن همراه رئیس جمهور» و انتقاد از اکران نشدن این فیلم در واکنش به اظهارات اخیر مدیرکل اره نظارت و ارزشیابی سینمای حرفه‌ای درباره زمان مناسب اکران فیلم تصریح کرد: شایسته نیست مدیران درباره زمان اکران فیلم‌ها صحبت کنند.محسن علی‌اکبری گفته است: «همچنان پیگیر اکران فیلم سینمایی «تلفن همراه رئیس‌جمهور» هستم و در این ارتباط تلاش‌های خود را انجام می‌دهم. ترجیح می‌دهم هر چه زودتر و در شرایط مناسب این فیلم اکران شود چون برخی از آثار هستند که سوزه آنها تاریخ مصرف دارد و باید در زمان اکران شوند. وی تأکید کرد: با وجود اینکه اکران را پیگیری می‌کنیم اما هنوز هیچ زمانی را مشخص نکرده‌ایم و در صورتی که این امکان فراهم نشود قطعاً به دنبال فروش حقوق فیلم به دولت هستیم. هرچند در این ارتباط هم هنوز قراردادی نیست.»فیلم سینمایی «تلفن همراه رئیس‌جمهور» ساخته علی عطشانی که در جشنواره فیلم فجر روی پرده رفت، قرار بود بهار امسال اکران عمومی شود که چند روز قبل از اکران، این موضوع منتهی شد. همزمان خبر توقیف فیلم در رسانه‌ها منعکس شد که با وجود تکذیب اولیه با عدم اکران فیلم تا به امروز لویحا تأیید شده‌است.

پوسان میزبان خلیج فارس

■ **ایلنا:** پروژه سینمایی «خلیج فارس» در میان پروژه‌های منتخب «بازار پروژه‌های سینمایی آسیا» در جشنواره فیلم پوسان قرار گرفت. مسوولان برگزاری «جساز پروژه‌های سینمایی» جشنواره فیلم پوسان که پیش از این به نام «برنامه گسترش پوسان» (بی بی پی) شناخته می‌شد، فهرست ۳۰ پروژه سینمایی منتخب امسال خود را اعلام داشته که پروژه سینمایی «خلیج فارس» نیز در این میان دیده می‌شود. بازار پروژه‌های سینمایی پوسان که به تأسی از برنامه پیش بازار «سینما مارت» جشنواره فیلم رتردام، تشکیل شده، همه ساله به گزینش مهم‌ترین پروژه‌های سینمایی سال قاره آسیا دست زده و طی چهار روز تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران علاقمند را سراسر جهان، نشست‌های خصوصی با تهیه‌کننده و کارگردان هر پروژه سینمایی منتخب جهت مشارکت احتمالی برپا داشته که از این طریق، تولید مشترک فیلم‌های سینمایی آسیایی و حضور در بازارهای فیلم جهانی برای خود می‌گیرد. این برنامه امسال از ۱۷ تا ۲۰ مهر و همزمان، با بازار فیلم آسیا و در دل هفدهمین جشنواره فیلم پوسان (۱۳ تا ۲۲ مهر) برگزار خواهد شد.

«اپل» به جای «اورنج»

نام یک جایزه ادبی را عوض می‌کنند؟

■ **نکست وب:** کمپانی «اپل» در حال انجام مذاکره برای حمایت مالی از برگزاری جایزه ادبی انگلستان، به جای کمپانی «اورنج» است. پس از کناره‌گیری کمپانی «اورنج» به نام‌های مشترک فیلم‌های سینمایی آسیایی و حضور در بازارهای فیلم جهانی برای خود می‌گیرد. این برنامه امسال از ۱۷ تا ۲۰ مهر و همزمان، با بازار فیلم آسیا و در دل هفدهمین جشنواره فیلم پوسان (۱۳ تا ۲۲ مهر) برگزار خواهد شد.

«اپل» به جای «اورنج»

شرق: زلزله دردناک غروب شنبه، دل‌های هنرمندان را هم، همچون دیگر اقشار جامعه، به درد آورد و شماری از آنها با ارسال پیام‌های تسلیت به همدردی یا خانواده‌های قربانیان این حادثه پرداختند. غلامحسین نامی، نقاش پیشکسوت ایرانی که هم‌اینک در کانادا به سر می‌برد با تقدیم یک نقاشی به قربانیان این واقعه در چند سطر کوتاه چنین نوشت: «تقدیم به عزیزان مانده زنده سرزمین آذربایجان، مهد دلاوران ایران‌زمین.» همچنین جمعی از هنرمندان عرصه موسیقی با انتشار پیام‌های تسلیت با مردم زلزله‌زده اهر، ورزقان و دیگر مناطق شمال غرب ایران، همدردی کردند. علیرضا قربانی، خواننده، در یادداشتی نوشته است: «از پنجه سرد من چه می‌خواهی؟/ سودی ندهد ستیزه با تقدیر لوفتی که خروس مرگ می‌خواند/ ادیر است برای در کشودن، دیر… آن، زلزله‌ای که خانه را لرزاند/ افگفتن نِشوان که با دلم چون کرد/ افگفتن نِشوان اکه با دلم چون کرد.» (شعری از نادر نادرپور) با دلی سرشار از درد تنها سکوت می‌کنم و دیگر هیچ… سالار عقیلی دیگر خواننده ایرانی هم که هم‌اینک در برلین به سر می‌برد در پیام خود نوشته است: «بخندند فسر/د/ پیوندها گمست/ آوای لای‌لای زنان در گلو شکست/ گلبرگِ آرزوی جوانان به خاک ریخت/ جغد فراق بر سر ویرانه‌ها نشست، از خشم زلزله/ وقتی خبر ناگوار و جانکاه زلزله استان آذربایجان را می‌شوم، که هزاران کیلومتر از وطن عزیزم فاصله دارم، اخبار و تصاویر منتشرشده به حدی غم‌انگیز است که دیدن و شنیدن آن از این فاصله هم دل‌هر‌انسانی را به درد می‌آورد. در نهایت تالم و تاسف این حادثه دلخراش را به بازماندگان و هموطنان عزیز و داغ‌دیدهام

ادب‌و هنر

همدردی هنرمندان با زلزله‌زدگان آذربایجان

جغد فراق بر سر ویرانه‌ها نشست

تسلیت عرض می‌نمایم. بی‌شک اجرای برنامه‌هایی به منظور جبران خسارات مادی و معنوی وارده به هم‌یهمنان آذری‌مان از وظایف پنده و جامعه موسیقی کشور است. امیدوارم که این توانایی ناچیز، قدمی کوتاه در این راه بلند باشد.» بیمان ناصح‌پور، نوآزنده تنبک هم در وبلاگ شخصی‌اش نوشته است: «ما مرهمان غیور و سخت‌کوشی که من از آذربایجان سراغ دارم، بار دیگر برخوانند خاست و حماسه خواهند آفرید، زیرا آذربایجان همیشه بیدار و حماسه‌ساز است. عاشق‌های آذربایجان ایستاده سازهایشان را روی سینه گذاشته و همانند سترخان و باقرخان، عظمت آذربایجان را با موسیقی زیبا و حماسی‌شان به رخ جهانیان خواهند کشید. اینجانب با اطمینان خاطر می‌گویم: آذربایجان همیشه لویاخدی.» رضا صادقی، خواننده پاپ از دیگر هنرمندانی است که در این‌باره

همکاری «سام شپارد» و «بروک» در «پرگنت»

«ایبسن» به «سالزبورگ» می‌رود

سمانه احمدیان‌قسه «پرگنت» به امروزی می‌آید تا این حرف را برای بار دیگر یادآوری کند: «زندگی سراسر مبارزه با ترول‌هاست.» نمایشنامه «پرگنت» در سال ۱۸۷۶ نوشته شده و اقتباسی آزاد از قصه پریان محلی نروژ به نام «پرگنت» است. «ایبسن» از طرف دولت نروژ مأموریت یافت تا به منطقه‌ای کوهستانی سفر کرده و داستان‌های بومی را گردآوری کند. او در این سفر در روستایی، «پرگنت» را از زبان کوهنشینان شنید و آن را یادداشت کرد. دفترچه یادداشت او همچنان در موزه رم موجود است. بازگردانی متن اسطوره‌ای «هنر یک ایبسن» به جهان امروز، بازگردانی کهن‌الگوی اسکندیناویایی به قرن بیست و یک است. وقتی به زندگی و نوع دید و نوشتار «ایبسن» نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که پذیرفته‌شدن انسان در جامعه انسان‌های بدمشرت خیلی ساده اتفاق می‌افتد و فقط باید بلد بود یکسری حفره خالی را پر کرد. درگیری‌های روانی این طبیعتی که «ایبسن» نشان می‌دهد، بنیای «پرگنت» را تشکیل می‌دهد اما واقعاً بعد از خواندن این نمایشنامه این سوال پیش می‌آید: ترول چه تفاوتی با انسان دارد؟ این فاصله چقدر است؟ و این را «پرگنت» است. او گوئی همه عمرش را روی صحنه تئاتر رو به نمایشاگر می‌گذراند تا همین را بگوید. سرانجام رول-انسان چه می‌شود؟ این همان اتفاقی است که این روزها فستیوال تئاتر سالزبورگ هرروز به مدت سه ساعت و نیم میزبان آن است. این نمایش، قصه‌ای است که «برینا بروک» کارگردان انگلیسی و «سام شپارد» نمایشنامه‌نویس آمریکایی از «پرگنت» تصویر کرده‌اند که یک اقتباس آزاد از متن «ایبسن» است. آنها این کهن‌الگو را به یک جهان موزیکال آورده و «پرگنت» را در شخصیت یک خواننده راک نمایش می‌دهد. «بروک» در بی‌معنی جست‌وجوهایی «پرگنت» در زمان حال است. وی با گفتن قصه زندگی او در فراز و نشیب‌های یک ستاره راک که با نام «بی جی» شهرت جهانی دارد یک جهان نمایشی بسیار جذاب خلق کرده است و دوست سوال را که همیشه بر سر بازگردانی‌های کهن‌الگوهای اسطوره‌ای به جهان امروز برقرار بوده و آن، این است که آیا آن چیزی که امروز خلق و تبدیل به اسطوره می‌شود مثل زندگی می‌فوت‌بالیست یا بازیگر معروف حقیقتاً یک اتفاق اسطوره‌ای است که بی‌پهره از کهن‌الگوها ثبت می‌شود یا نه، آنکه از جهان اسطوره حقیقی بهره‌گیریم برای خلق یک اسطوره معاصر حقیقت ماجراست؟ این گروه نمایشی سواشان این است که آیا اسطوره نروژی «هنر یک ایبسن» می‌تواند بخشی از افسانه

امین الله رشیدی: کسی اعتنا نمی‌کند

امین‌الله رشیدی در گفت‌وگو با شبکه ایران در مورد وضعیت موسیقی گفت: جوانان ما استعداد زیادی دارند و می‌توانند کارهای خوب ارایه دهند اما چیزی که هست مسوولان ما به دنبال چیز دیگری هستند. در همه جای دنیا می‌گردند ستاره‌ها را کشف کنند اما اینجا برعکس باید بگوییم ما هستیم و کسی هم اعتنا نمی‌کند.

مشعل المپیک لندن در حالی با نواخته شدن ساعت بیگ بن به دست «دسون آرتانس دو ناسیمنتو» یا «پله» سپرده شد تا به ریو برده شود که انگلیسی‌ها بار دیگر از توان هنری خود برای مراسم پایانی این رویداد بزرگ ورزشی استفاده کردند. مراسم اختتامیه المپیک لندن البته با مراسم افتتاحیه چند تفاوت عمده داشت. اولین تفاوت این مراسم این بود که این بار یک برنده جایزه اسکار و بفتا چون هنری بویل آن را کارگردانی نکرده بود. کارگردانی این مراسم که به نام «سمفونی موسیقی انگلستان» به برگزار شد را کیم گاوین برعهده داشت. مراسم اختتامیه با ۹ بار نواخته شدن ساعت بیگ بن به نشانه ساعت آغاز مراسم رسماً شروع به کار کرد

به او لقب سعدی سینما را داده‌اند. اما شاید لقب شاعر سینما بهتر از هر لقبی است برای «علی حاتم»، که ۶۸سال پیش در ناف تهران در خیابان وحدت اسلامی (شاپور) در آدرس‌کی که رضا خوشنویس به مفتش شش‌انگشتی می‌دهد به دنیا آمد. تصویر ایران و فرهنگ‌های ایرانی در فیلم‌های حاتمى پربرکت‌ترین موفیت بود. از علی حاتمى خاطره تصویری زیادی به جای مانده است اما تنها خاطره‌های تصویری او نیست که به یاد مانده است. او با ساخت شهرک غزالی برای هزاردستان زمینه ساخت مدها فیلم تاریخی را که در فضای امروزی نمى‌شد ساخته شود را فراهم آورد. بارها تنها یادگاری او لینا حاتمى است که این روزها نام سینمای ایران را در جشنواره‌های بین‌المللی به قلم‌های افتخار برده است.



فیلم‌های محمدعلی طالبی در بخش مروری بر آثار این کارگردان سینمای ایران از روز چهارشنبه ۲۵ مرداد تا ۱۹ رور شهریور در سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می‌آید. روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ساعت ۱۶:۳۰ «فیلم «چکمه» محصول سال ۱۳۷۱ به مدت ۶۰ دقیقه به نمایش در می‌آید و در ادامه تا ۱۹ شهریور شش فیلم دیگر از این کارگردان در سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می‌آید. این فیلم‌ها روزهای یکشنبه و چهارشنبه هر هفته ساعت ۱۶:۳۰ در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.



تابلوی نامی در سوگ هموطنان آذربای

صبر و شکیبایی بازماندگان و آسیب‌دیدگان را مسالت دارم.» خانه هنرمندان ایران هم در پیامی وقوع زلزله وزیرانگر در آذربایجان را به ملت شریف ایران و به ویژه بازماندگان این رخداد تأثیرانگیز تسلیت گفت. در بخشی از این پیام آمده است: «خانه هنرمندان ایران از سوی هنرمندان و اعضای این خانه وقوع این حادثه غمبار را به ملت شریف ایران و بازماندگان این رخداد تأثیرانگیز تسلیت و تعزیت گفته و در این راه از هیچ کوششی برای کمک به آسیب‌دیدگان این واقعه فروگذار نمی‌کند»



جایزه «هریکس مولیر» به عنوان کارگردان برگزیده برده است. امسال «فستیوال سالزبورگ» که فستیوال پیش‌رو در موسیقی ورام است و در ۱۹۲۰ بنیان گذاشته شده و هر تابستان از اواخر ژوئیه تا پنج هفته در شهر اتریشی سالزبورگ جریان دارد نمایش «پرگنت» را از افتخارات فستیوال خود معرفی کرده است.

«نمایشنامه‌های شاعر» به جلد سوم رسید

ایستنا: «حمایشنامه‌های شاعر» شامل نمایشنامه‌های احمدرضا احمدی است که جلد چهارم آن نیز هم‌اکنون در حال آماده‌سازی است و از سوی نشر قطره منتشر خواهد شد. کتب «یک ضیافت خصوصی» شامل برگزیده‌ای از گفت‌وگوهای این شاعر توسط رسول رخسا تدوین واز سوی نشر یادشده برای دریافت مجوز نشر ارائه شده است

بیش از ۳۵۰۰ نیروی داوطلب در اجرای این مراسم مشارکت داشتند و ورزشکاران نیز در خطوط پرچم قرار گرفتند. این صحنه با تکه‌هایی از روزنامه‌های مشهور انگلیسی فرش شده بود که جملات مشهوری چون «بودن یا نبودن» شکسپیر در لایه‌ای خطوط پررنگ شده بود. شهردار ریودوژانیرو که قرار بود پرچم المپیک را از شهردار لندن بگیرد، آن را به دست پله است که به المپیک سال‌های به حضور گروه‌های مختلف تیم‌های برزیل وظیفه بردن المپیک را به آن بسوی اقیانوس اطلس برعهده گرفت. در انتهای مراسم شعله المپیک به شکل دراماتیکی خاموش شد. هر یک از کشورهای شرکت‌کننده در این رقابت‌ها، یک شاخه از مشعل را دریافت کردند.

«سعدی افشار» که ۲۴ مرداد وارد بهار ۷۸سالگی خود می‌شود، قصد دارد در سال‌های در مقام کارگردان، اثری را با حضور هنرمندان جوان تئاتر به صحنه ببرد. افشار از دهه ۲۰ فعالیت خود را در عرصه تئاتر و بازی در جامعه باریبد آغاز کرد و در نمایش‌های متعددی به ایفا نقش پرداخت. سعدی افشار در آستانه ۷۸سالگی خود درباره سال‌هایی که سپری کرده به «مهر» گفت: «۵۰ سال در عرصه سیاه‌بازی و نمایش‌های ایرانی حضور داشتم و از نظر مردم بازی‌هایم خوب بود اما بهترین نبودم و بسیاری بهتر از من در این عرصه بودند. فعالیت هنری مثل خوردن خیار است. اول شیرین و دلپذیر است اما آخرش تلخ است. در حال حاضر تلخی آن برای من مانده است. اگر هنرمند آینده‌نگر باشد این تلخی برایش نمی‌ماند. البته ناراضی نیستم و خدا را شاکرم.



آینه‌های روبه‌رو

سریال‌سازی در سه دقیقه

روپوش، دکتر، دوربین… حرکت

جواد ماه‌زاده

■ **روزی** نیست که در یکی از بیمارستان‌های تهران، بساط فیلمبرداری یک سریال پهن نباشد؟ این جمله متعلق به هیچ مسوول و غیرمسوولی نیست. با نگاهی به سریال‌هایی که هر شب از تلویزیون پخش می‌شود، به‌خصوص در شب‌های ماه رمضان، می‌توانید متوجه شوید که سر بیمارستان‌ها چقدر شلوغ است و هر روز باید به عنوان لوکیشن فیلمبرداری فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی مورد استفاده قرار بگیرند. در سریال‌های ماه رمضان امسال، این اتفاق از همان قسمت اول افتاده است. با قرار است یک همسر خوب زایمان کند یا کسی به کما رفته و مادر سیاه‌بخش سر بر دیوار بیمارستان نهاده و نگران وضعیت اوست. حالا طرف می‌میرد یا نمی‌میرد و نوزاد به دنیا می‌آید یا سر را می‌رود، چندان مهم نیست. بعضی وقت‌ها هم سریال‌سازی سرال یا پزشک و پرستار است یا از قسمت اول، می‌رود به آغوا و دلدنای می‌شود. مروری ذهنی درباره مجموعه‌های ماه رمضان در سال‌های گذشته نیز گویای همین مضامین است؛ شیطانی که به جلد پزشکی متعده می‌رود او را از خدا دور کند و آدم خوب‌ها را بمیراند و آدم بد‌ها را معالجه کند، جسدی که بی‌صاحب می‌افتد کنار اتوبان و هر چقدر هم بی‌آب و غذا بماند و خونریزی کند، روز‌ها را سیری می‌کند و نمی‌میرد تا محبوبش از راه برسد و جانش را نجات دهد. از این جنس داستان‌ها و ماجرا‌ها که یک سرش به بیمارستان و یک سرش به سرم وصل باشد، کم نداشت‌ه‌ایم در این سال‌ها.

اما آیا می‌توان صرفاً این وجه تشابه در لوکیشن یا موقعیت‌های فیلمبرداری را امتیازی منفی برای سریال‌ها و فیلم‌ها برشمرد و حکم به ابتدال و عدم خلاقیّت آنها داد؟ صد البته که نمی‌توان این نمود ظاهری را معیار قضاوت قرار داد. بسیاری از بهترین فیلم‌های هالیوودی و سریال‌های آمریکایی و کاندایی نیز در بیمارستان اتفاق می‌افتند و مضمون‌شان درباره آدم‌های مجروح، آدم‌های بیمار، بیماری‌های صعب‌العلاج، سوانح و همین چیزهاست. البته بخشی از مجموعه‌هایی که در ایران ساخته و پخش می‌شود، به صورت مشارکتی با نهادهای بهداشتی و درمانی و بازپروزی تولید می‌شوند و به همین جهت، یکی از اصلی‌ترین موقعیت‌های داستانی‌شان نیز بیمارستان‌ها و مراکز درمانی هستند.

آنچه مقصود این مرقومه است، تکراری شدن صحنه‌ها، لوکیشن‌ها و اتفاقات درون سریال‌هاست که از قعر نگام‌های تازه، سوزنه‌های جدید و خوی محافظه‌کارانه فیلمنامه‌نویسان و تهیه‌کنندگان ریشه می‌گیرد. پس از گذشت دوره‌ای که رضا عطاران و سعید اخفاتی سریال‌های طنزی می‌ساختند با آدم‌های به اصطلاح جدی‌تر تلویزیون قدم پیش می‌گذاشتند و پای روح و شیطان را به دنیای واقعی باز می‌کردند، حالا گویی نوبت به موضوعات بیمارستانی و سوانح و حوادث رسیده است. شاید مهم‌ترین عاملی که باعث می‌شود نویسندگان سریال‌ها سراغ رخدادهایی از این دست بروند، سهیل‌الوصول بودن و سهیل‌العبور بودن آنها باشد. به تعبیر دیگر، راحت‌ترین اتفاق داستانی، اتفاقی است که ناگاه و بی‌اختیار رخ دهد؛ اتفاقی مثل تصادف با اتومبیل، پیدا شدن یک تومور در بدن، افتادن از ارتفاع یا کوبیده شدن سر به دیوار حین یک نزاع خیابانی. این جنس حادثه‌پردازی، راحت‌ترین و دم دست‌ترین شیوه برای فیلمنامه‌نویسان است تا بتوانند تعلیق و هیجان وارد داستان کنند و تماشاگر را در انتظار قسمت‌های بعد نگه دارند. در واقع استفاده از عنصر اتفاق، سهیل‌ترین و بی‌دردس‌ترین راه برای پیش کشیدن یک ماجرای چندقسمتی است که هیچ نیازی به مقدمه‌چینی و علت‌تراشی برای حوادث ندارد چراکه علتش خودش است یعنی حادثه خبر نمی‌کند.

از طرف دیگر، این جنس مضامین دو مزیت دیگر نیز دارند. یکی اینکه از تعدد لوکیشن و مدترزمان تولید تا حد زیادی کاسته می‌شود و دیگر اینکه، سین جیم ندارد و به راحتی از فیلم‌ها عبور می‌کند. موضوعات پزشکی، سلامتی، زایمان، تولد و مرگ، جزو بی‌چالش‌ترین مباحث برای طرح در تلویزیون است که به کسی اعتراض برمی‌خورد و به نگره به پیشانی بعضی‌ها می‌انداذ. به‌خصوص اگر شخصیت‌ها پاک و طاهر باشند و زیاد خرده‌شیشه نداشته باشند و مطابق الگوی ایرانی – اسلامی لباس بپوشند و به نوبت آب تویه بر سر سر هم بریزند و در دعوت دیگری به راه راست مدام از هم سبقت بگیرند و بی‌علت و با علت، دچار تحول‌های عمیق معنوی شوند. می‌توان گفت هم سریال‌ساز‌ها راه و چاه را پیدا کرده‌اند و با این شیوه تبدیل به پای ثابت تلویزیون شده‌اند و هم تلویزیون بابت پر شدن آنتن با سوزنه‌های خانوادگی با ته‌مایه‌های تولد و مرگ و هستی و نیستی، خیالی آسوده دارد. معمولاً در ایام سرپال‌پروزی مثل ماه رمضان، عید نوروز و حتی محرم، برخی سایت‌ها و روزنامه‌ها، سعی می‌کنند عادت سریال‌سازی را به رقابت میان شبکه‌ها تعبیر کنند، اقدام به نظرسنجی می‌کنند و محض داغ کردن تنور از مخاطبان خود می‌پرسند: «به نظر شما کدام یک از این سریال‌ها پربیننده‌تر و موفق‌تر بوده است؟» امسال نیز به‌طور حتم برخی روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها به این رسالت هرساله‌شان عمل می‌کنند. اما کیست که بپرسد، سرپال‌سازی را به ظرفیت میان داستانی بی‌شمار، سر بریده شدن سلیقه‌های مختلف مخاطبان، بی‌توجهی به مضامین و ژانرهای گوناگون و افتادن در ورطه تکرار و محافظه‌کاری و سرهم‌پبندی برخی تهیه‌کنندگان، از کجا نشأت می‌گیرد و تا کی قرار است ادامه پیدا کند؟